

گزارش کارشناسی

در خصوص:

لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور*

* موارد داخل کادر در اظهارنظرات شورای محترم نگهبان مورد توجه قرار گرفته است.

- توجه: قسمت‌های پر رنگ و با علامت ☒، نظرات مشورتی جدید می‌باشند که در گزارش‌های قبلی این مرکز ذکر نشده‌اند.

کد گزارش: ۹۲۱۱۰۴۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

گزارش کارشناسی در خصوص

لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
بررسی و اظهارنظر مشورتی پیرامون مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور.....	۱
الف) کلیات.....	۱
۱) بندهای با ماهیت غیربودجه‌ای.....	۱
۲) اصلاح قوانین دائمی.....	۲
۳) عدم توجه به اصل (۵۳) قانون اساسی.....	۳
۴) ایراد مربوط به عدم ارسال جداول و پیوست‌های مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور.....	۳
ب) جزئیات.....	۴
ج) ایرادات مربوط به جداول و احکام ذیل آن.....	۴۰

مقدمه

به موجب اصل پنجاه و دوم قانون اساسی «بودجه سالیانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد...» **لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور** نیز در این راستا توسط دولت تهیه و در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۷ به مجلس تقدیم شده است. لایحه مزبور پس از ارسال به کمیسیون تلفیق، با اصلاحات و الحاقاتی به تصویب رسید و گزارش آن به صحن علنی ارسال گردید. صحن علنی نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۱ به صورت کامل به تصویب رسید. در این گزارش به بررسی مصوبه صحن علنی خواهیم پرداخت.

بررسی و اظهار نظر مشورتی پیرامون

مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور

الف) کلیات

مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در کنار نقاط مثبت آن از لحاظ قانون اساسی واجد ایراداتی از جمله عدم رعایت اصل ۵۳ قانون اساسی مبنی بر واریز کلیه درآمدها به خزانه کل کشور، نقض اصل ۵۲ قانون اساسی به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای بسیاری از احکام و اصلاح قوانین دائمی و قانونگذاری جدید و نیز عدم رعایت برخی احکام سیاست‌های کلی نظام می‌باشد. در این گزارش پس از بررسی کلیات لایحه، به بررسی احکام مندرج در تبصره‌ها و بندهای مربوط به آن خواهیم پرداخت.

۱) بندهای با ماهیت غیربودجه‌ای

بر اساس بند «۳» ماده (۱۳۵) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی لوایح قانونی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می‌شوند، باید دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشند، به عنوان مثال در لایحه بودجه، علی القاعده احکامی که آورده می‌شود متناسب با عنوان لایحه باید دارای ماهیت بودجه‌ای باشند و نباید احکامی که ماهیت غیر بودجه‌ای دارند و ارتباطی با دخل و خرج مملکت ندارند و مربوط به سایر موضوعات هستند در لایحه بودجه ذکر شوند. همچنین اصل ۵۲ قانون اساسی با ذکر عبارت «بودجه سالانه کل کشور» اصل سالانه بودن بودجه را به رسمیت شناخته است و لذا درج احکامی که ماهیتاً محدود به یکسال نباشند از این جهت نیز مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی تلقی می‌شود.

این ایراد در طول سال‌های گذشته وجود داشته تا اینکه قانون گذار این احکام غیر بودجه‌ای را که هر سال تکرار می‌شدند به تدریج از درون قوانین بودجه سنواتی خارج و آن را در شکل «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» - مصوب ۱۳۸۰- و «قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» - مصوب ۱۳۸۴ - و ماده (۲۲۴) «قانون برنامه پنجم توسعه» - مصوب ۱۳۸۹- و سایر قوانین تدوین و تصویب نمود. با وجود این در لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ احکام غیربودجه‌ای فراوانی وجود دارد که ارتباط موضوعی با عنوان لایحه ندارد و لذا این موارد از این جهت مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

توضیح آنکه موضوعات بودجه‌ای احکامی هستند که سازوکارهای اجرایی را در مورد نحوه وصول دریافت‌ها و انجام پرداخت‌ها مشخص می‌کنند و موجبات تسهیل اجرای بودجه را فراهم می‌آورند. تبصره‌های غیربودجه‌ای به طور غیرمستقیم دارای آثار درآمدی و هزینه‌ای هستند و این آثار مالی‌شان موخر بر فلسفه وجودی آنها می‌باشد.

این تبصره‌ها باید در قوانین مربوط به خود اصلاح شوند اما گاهی این احکام، به دلیل تشریفات کمتر در رسیدگی به لایحه بودجه و در نتیجه رسیدگی سریع‌تر، ضمن قانون بودجه مورد اصلاح قرار می‌گیرند. بر این اساس، برخلاف تصور رایج، صرف داشتن اثر مالی یک حکم، دلیل بر ماهیت بودجه‌ای داشتن آن نمی‌باشد بلکه بایستی هدف اصلی از آن حکم، توجه به عناصر بودجه باشد.

لازم به توضیح است که «سالانه بودن بودجه» و «ماهیت بودجه‌ای داشتن»، به یک مفهوم نبوده و رابطه عموم و خصوص من وجه دارند. به بیان دیگر، ممکن است یک مقرر قانونی سالانه باشد اما ماهیت بودجه‌ای نداشته باشد و بالعکس، ممکن است مقررهای سالانه نباشد اما ماهیت بودجه‌ای داشته باشد و نیز ممکن است مقررهای هم سالانه باشد و هم واجد ماهیت بودجه‌ای. بنابراین به نظر می‌رسد درج ماده‌ای در قانون بودجه، مبنی بر اعتبار یک ساله احکام قانون بودجه، لزوماً رافع ایراد «ماهیت غیربودجه‌ای» نمی‌باشد.

لازم به ذکر است که اصلاح قوانین دائمی نیز از موارد احکام غیربودجه‌ای تلقی می‌شود که ذیلاً به عنوان یکی از ایرادات اساسی این مصوبه مد نظر قرار می‌گیرد.

۲) اصلاح قوانین دائمی

در مصوبه مجلس، احکامی وجود دارند که منجر به اصلاح قوانین دائمی می‌شوند، این موضوع نه صرفاً در ماده واحده و بندهای آن، بلکه در زیرنویس جدول‌های پیوست لایحه بودجه نیز وجود دارد که می‌توان به عنوان نمونه به انتهای جدول شماره (۷) (جداول کلان) لایحه مذکور اشاره کرد. این امر بر خلاف اصول و موازین قانون نویسی محسوب می‌شود و لذا این اصلاح باید در قالب لایحه یا طرحی مستقل به عنوان اصلاح قانون مربوط انجام گیرد. موارد دیگری نیز که متضمن احکام قانونی است به صورت زیرنویس در ذیل جداول لایحه بودجه آمده است.

آنچه در این میان دارای اهمیت فوق‌العاده است، اصلاح قوانین مهم و کلیدی در قالب بودجه سالانه می‌باشد. قوانینی همچون قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش افزوده و از همه مهمتر قانون برنامه پنجم توسعه در این زمینه و به عنوان نمونه قابل ذکر است.

لازم به ذکر است که شورای نگهبان در زمان بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور در خصوص چنین مواردی این چنین اظهارنظر کرده است که: «...۳- تبصره‌های ... از لحاظ اینکه خارج از قانون بودجه است و به قوانین خاص خود ارتباط دارند با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد». این رویه شورای نگهبان در سال‌های بعد و همچنین در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور نیز نمود داشته و لذا لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور از این منظر محل تأمل و اشکال زیادی است.

به هر حال با عنایت به اینکه احکام دائمی و نیز اصلاح قوانین دائمی که در ضمن قانون بودجه صورت می‌گیرد تنها تا پایان سال دارای اعتبار است، دولت مجبور خواهد بود برای تمدید این احکام مجدداً آنها را در بودجه‌های سال‌های بعد نیز تکرار کند. چرا که اعتبار قانون بودجه سالیانه موقت و یکساله می‌باشد. بنابراین اصلاح قوانین دائمی در ضمن قانون بودجه موجب می‌شود که قانون دائمی مزبور برای مدت یک سال اصلاح شده و پس از یک سال به حالت سابق خود بازگردد، که این موضوع علاوه بر ایجاد تشتت و پراکندگی در قوانین، مغایر تنقیح قوانین و اصول قانون نویسی صحیح بوده و اجرای قانون را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

لازم به ذکر است که تعریف «قانون بودجه» مطابق ماده (۱) قانون محاسبات عمومی کشور (مصوب ۱۳۶۶) بدین شرح است: «بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود، بوده و...» همانطور که از این تعریف پیداست قانون بودجه سالیانه، برنامه مالی یکساله دولت است و ذکر احکام با ماهیت دائمی و یا اصلاح قوانین دائمی به موجب قانون بودجه، هیچ‌گونه سنخیتی با ماهیت و فلسفه قانون بودجه سالیانه ندارد. ضمن اینکه با عنایت به تعریف قانونی فوق از «بودجه کل کشور» و تصریح قانونگذار اساسی در اصل (۵۲) قانون اساسی مبنی بر اینکه بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در «قانون» مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه می‌گردد، احکام غیربودجه‌ای مذکور در قانون بودجه با اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرت خواهد داشت.

(۳) عدم توجه به اصل (۵۳) قانون اساسی

از جمله نکات مهمی که در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ قابل ذکر می‌باشد، عدم توجه به جایگاه خزانه داری کل کشور است. طبق اصل (۵۳) قانون اساسی «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.» در حالی که در بندهای مختلف مصوبه، بدون توجه به اصل مذکور، به پرداخت مستقیم از محل دریافت‌های دولت و همچنین تهاتر میان دیون و مطالبات تصریح شده است که این امر مغایر با اصل مذکور تلقی می‌شود. به مصادیق این امر در حین بررسی تبصره‌ها و بندهای مربوطه اشاره خواهد شد.

(۴) ایراد مربوط به عدم ارسال جداول و پیوست‌های مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور

علاوه بر ایرادات و نکات کلی فوق الذکر، لازم به توجه است که لایحه بودجه صرفاً احکام مندرج در ماده واحده نیست و اصل بودجه همان جداول و ارقام بودجه و همچنین احکامی است که ذیل این جداول ذکر می‌شود و ماهیتاً نمی‌توان تفاوتی بین احکام ذیل جداول با احکام مقرر در ماده واحده قائل شد. همچنین بسیاری از احکام مقرر در ماده واحده بدون توجه به جداول غیرقابل بررسی می‌باشد. لذا نظر به اینکه جداول و پیوست‌های بودجه نیز بخشی از لایحه بودجه کل کشور تقدیمی دولت است که به تصویب مجلس نیز می‌رسد، لازم است مطابق اصل ۹۴ قانون اساسی به این شورا جهت اظهار نظر ارسال گردد.

لازم به ذکر است که جداول و پیوست‌های مزبور در مجلس دچار اصلاحات و تغییراتی شده است و در نتیجه نمی‌توان ناظر به جداول و پیوست‌ها تقدیمی دولت اظهار نظر نمود.

جهت استحضار به عنوان نمونه ذیل جداول ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱-۱۳، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ احکامی ذکر شده است که بسیاری از آنها واجد احکام حقوقی است که علاوه بر غیر بودجه‌ای بودن و اصلاح قوانین دائمی واجد برخی ایرادات اساسی است. برای مثال در پاراگراف اول ذیل جدول شماره ۷ اجازه تغییر در اعتبارات مربوط به حقوق و مزایا بدون هیچ‌گونه محدودیتی به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور داده شده که علاوه بر مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب بودجه توسط مجلس مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی نیز به نظر می‌رسد. مشابه همین حکم در تبصره ۱۰ لایحه اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور درج شده بود که

شورای محترم نگهبان تبصره یاد شده را در نظریه شماره ۵۲۳۲۴ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۶ مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی اعلام کرد. لازم به توضیح است که این مورد فقط یک نمونه از صدها حکمی است که در جداول بودجه سنواتی درج می‌شود و در واقع بخش اصلی قانون بودجه سالانه که عملاً در کلیه دستگاه‌های اجرایی به مورد اجرا گذاشته می‌شود و کلیه عملیات دستگاه‌ها در بخش‌های گوناگون کسب درآمد و هزینه کرد اعتبارات در چارچوب و بر اساس احکام و نیز ارقام مندرج در جداول بودجه صورت می‌گیرد همین ارقام و نیز احکام مندرج در جداول بودجه است.

(ب) جزئیات^(۱)

تبصره ۱ –

بند الحاقی – مغایرت با اصل ۵۷ قانون اساسی

نظر اول:

این بند فاقد ایراد است.

نظر دوم:

☑ اطلاق عبارت «کلیه دستگاه‌های اجرایی» در صدر این بند، به‌ویژه در مورد نهادهای فرا قوه‌ای همانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ...، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است.

تبصره ۲ –

بند «الف» – مغایرت با اصول ۴۵، ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی و ابهام

۱. بند «الف» تبصره «۱» مبنی بر تعیین رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت و شرکت ملی نفت، به نحوی تکرار بند (۱-۳) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲ بوده (البته در برخی از قسمت‌ها تغییرات اندکی نموده است) و واجد ماهیت غیر بودجه‌ای می‌باشد و جای چنین مفادی در اساسنامه شرکت‌های ملی نفت و گاز است و نه در بودجه سالانه. لذا حکم مزبور مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود. البته ذکر این موارد در بودجه‌های سنواتی متأسفانه به سنت تبدیل شده است.
۲. از آنجا که در جزء «۱» این بند آمده مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی می‌شود، عبارت مذکور ابهام دائمی بودن بند مزبور را می‌نماید، بنابراین مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است. این ایراد در اظهار نظر شورای نگهبان نسبت به لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور نیز وجود دارد.^(۲)

۱. در این گزارش قسمت‌های پر رنگ نظرات مشورتی جدید می‌باشد که در گزارش‌های قبلی ذکر نشده بود، نظراتی که داخل کادر قرار داده شده است، نظرات مشورتی در خصوص مواردی است که در اظهار نظر اولیه شورای نگهبان پیرامون مصوبه ذکر شده است.

۲. نظریه شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: «۱- از آنجا که در بند ۱-۳ آمده مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره دائمی لایحه بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود، عبارت مذکور ابهام دائمی بودن آن را می‌نماید، بنابراین مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۳. ☒ در صدر بند «الف» لایحه آمده «در راستای اعمال حق مالکیت و حاکمیت بر منابع نفت و گاز کشور...» در حالیکه مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.» بر این اساس هیچ یک از نهادهای دولتی و عمومی دارای «حق مالکیت» بر این اموال نبوده و به تصریح اصل مزبور تنها «در اختیار» آنها قرار دارد تا طبق مصالح عامه مورد استفاده قرار گیرد. لذا عبارت «حق مالکیت» در صدر این بند، محل اشکال و مغایر اصل ۴۵ قانون اساسی است.

۴. اجازه به وزارت نفت مبنی بر عدم واریز بخشی از ارزش نفت تولیدی به خزانه کل کشور و تکلیف وزارت مزبور به واریز صرفاً قسمتی از منابع و دریافت‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی به خزانه داری کل کشور مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است که بر اساس آن لازم است «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه داری کل متمرکز» شود. لذا عدم واریز چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) سهم شرکت ملی نفت و صرفاً واریز معادل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور (نفت خام و میعانات گازی) به خزانه داری کل کشور، مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

۵. عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی ربط» از جهت مصداق و مفهوم به دلیل عدم وجود تعریف قانونی واجد ابهام است. توضیح آنکه منظور قانونگذار از این عبارت «شرکت ملی نفت» است که به دلیل دارا نبودن اساسنامه قانونی، همواره با ایراد شورای نگهبان مبنی بر ابهام نبود اساسنامه شرکت ملی نفت مواجه می‌شده است. فلذا مجلس جهت رفع ایراد مزبور بجای عبارت «شرکت ملی نفت» از عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی ربط» استفاده می‌نماید. لازم به ذکر است که مطابق ماده (۴) قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ «وزارت نفت برای انجام عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور و فلات قاره و دریاها می‌تواند شرکت‌هایی را تأسیس نماید. اساسنامه‌های شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجراء گذارده خواهد شد. تصویب اساسنامه‌های سایر شرکت‌ها با هیأت وزیران خواهد بود.

تبصره - وزارت نفت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون، اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

لیکن تاکنون اساسنامه شرکت‌های مزبور به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است و از همین رو همواره مصوبات مجلس هنگام تصریح به حقوق و تکالیف این شرکت‌ها مورد ایراد شورای نگهبان واقع شده است. اما نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد این است که عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی ربط» نیز نمی‌تواند رافع ابهام باشد چرا که «شرکت دولتی تابعه ذی ربط» از جهت مصداق و مفهوم دچار ابهام است و مشخص نیست که منظور از آن کدام شرکت است.

لازم به ذکر است که این ایراد در بندهای «ب»، «ج»، «د»، «ه»، «ز»، «ح»، «ط» و الحاقی «۵» این تبصره نیز وجود دارد.

۶. «شرکت پالایش و پخش فراآورده‌های نفتی ایران» مذکور در جزء «۳» این بند، به علت عدم وجود اساسنامه قانونی، واجد ابهام است. ایراد مزبور در موارد دیگری نیز که به شرکت مزبور اشاره نموده است وجود دارد.

بند «ب» - مغایرت با اصول ۵۲، ۵۳ و بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

۱. به موجب این بند وزارت نفت از طریق شرکت دولتی ذیربط مکلف است کلیه دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی اعم از صادرات سال جاری و سال‌های قبل را به هر صورت، پس از کسر بازپرداخت‌های بیع متقابل به عنوان علی‌الحساب پرداخت‌های موضوع این تبصره و تسویه بندهای متناظر در قوانین بودجه سال‌های قبل به حساب‌های مربوط در خزانه داری کل کشور واریز نماید. بنابراین حکم مذکور در این بند به دلیل اینکه به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی ذیربط اجازه داده بازپرداخت‌های بیع متقابل و تسویه بندهای متناظر در قوانین بودجه سال‌های قبل را به صورت مستقیم و قبل از واریز کلیه دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی به خزانه انجام دهد، مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

۲. به موجب بخش دوم از این بند بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف شده از وجوه حاصله هر ماهه به طور متناسب، چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) سهم شرکت ملی نفت ایران (با احتساب بازپرداخت‌های بیع متقابل)، بیست و نه درصد (۲۹٪) سهم صندوق توسعه ملی و سهم درآمد عمومی دولت موضوع ردیف‌های درآمدی ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) این قانون، را به حساب مربوط نزد خزانه داری کل کشور واریز نماید.

در این خصوص نکته قابل توجهی که وجود دارد این است که با توجه به بند «الف» این تبصره مبنی بر تعیین چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) ارزش نفت تولیدی به عنوان سهم وزارت نفت و واریز معادل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور به خزانه داری کل کشور، سهم صندوق توسعه ملی (۲۹٪) از محل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور واریزی به خزانه کل کشور می‌باشد. در حالیکه طبق جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم که بر اساس بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (ابلاغی مقام معظم رهبری) تنظیم شده، باید در سال ۱۳۹۳، بیست و نه درصد (۲۹٪) از «منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی)» به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود. لیکن با توجه به بند «الف» همین تبصره، حکم به پرداخت سهم صندوق توسعه ملی پس از کسر سهم شرکت تابعه ذی ربط و بازپرداخت‌های بیع متقابل است و لذا این امر مغایرت آشکار با سیاست‌های کلی برنامه پنجم داشته و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است و از سوی دیگر مغایر قانون برنامه پنجم توسعه است.

۳. به موجب بخش اخیر این بند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف شده است بیست و نه درصد (۲۹٪) ارزش صادرات گاز طبیعی را پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی به حساب صندوق توسعه ملی واریز نماید. مبلغ واریزی از ماه یازدهم سال، محاسبه و تسویه می‌شود.

اولاً همانطور که گفته شد، به موجب بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه، باید در سال ۱۳۹۳، بیست و نه درصد (۲۹٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی)» به صندوق توسعه ملی واریز شود، در حالیکه در بند مذکور صرفاً به بیست و نه درصد (۲۹٪) منابع حاصل از صادرات «گاز طبیعی» اشاره شده و در مورد منابع حاصل از صادرات سایر مواد مذکور سکوت شده است، بنابراین تبصره مذکور از این جهت ایراد داشته و علاوه بر مغایرت با قانون برنامه پنجم توسعه مغایر سیاست‌های

کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی خواهد بود.

ثانیاً به دلیل اینکه به موجب بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و همچنین جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه سهم صندوق توسعه ملی به صورت مطلق ذکر شده است، کسر ارزش گاز وارداتی از منابع حاصل از صادرات گاز (علاوه بر مغایرت با قانون برنامه پنجم توسعه)، مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد.

ثالثاً تسویه حساب و محاسبه مبلغ واریزی از ماه یازدهم سال بدین معنا خواهد بود که بانک مرکزی از ماه یازدهم سال سهم مزبور را به حساب صندوق توسعه ملی واریز می‌نماید و پیش از ماه یازدهم سهم صندوق مزبور را نخواهد داد. درحالی‌که بر اساس جزء «۲» بند «ی» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه سهم صندوق می‌بایست ماهانه توسط بانک مرکزی به حساب صندوق واریز و در پایان سال مالی با توجه به قطعی شدن منابع تسویه شود. لذا حکم مزبور اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه بوده و دارای ماهیت غیربودجه‌ای است و لذا مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

- تذکر: به نظر می‌رسد منظور از «۲۹٪ ارزش صادرات گاز طبیعی» مذکور، احتمالاً «۲۹٪ از منابع حاصل از صادرات گاز طبیعی» می‌باشد که لازم است اصلاح شود.

۴. در پاراگراف الحاقی کسر سهم صندوق توسعه ملی صرفاً در خصوص نفت خام و میعانات گازی صورت می‌گیرد. در حالیکه همانگونه که ذکر شد بر اساس بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (و جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه) سهم صندوق توسعه ملی باید از «نفت»، «گاز» و «فرآورده‌های نفتی» پرداخت و اختصاص داده شود. لذا پاراگراف الحاقی (علاوه بر مغایرت با قانون برنامه پنجم توسعه) مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی خواهد بود.

بند «ج» - ابهام و مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

۱. حکم این بند در ارتباط با «شرکت پالایش نفت داخلی و شرکت‌های پتروشیمی» به علت عدم وجود اساسنامه قانونی در خصوص این شرکت‌ها، واجد ابهام است. ایراد مزبور در موارد دیگری نیز که به شرکت‌های مزبور اشاره نموده است وجود دارد.

۲. مطابق صدر پاراگراف دوم این بند وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذیربط مکلف شده وجوه مربوط به سهم دولت از بهای خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها را وصول نماید و در صورتی که به تکلیف خود عمل ننماید، خزانه داری کل کشور به صورت علی‌الحساب وجوه مزبور را برداشت خواهد نمود. لیکن مجدداً ذیل این حکم مقرر شده در صورت عدم واریز بهای فرآورده‌های نفتی و خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعلام وزارت نفت مکلف به برداشت از حساب شرکت‌های بدهکار و واریز آن به حساب خزانه داری کل کشور است.

لذا با توجه به اینکه بر اساس صدر بند «ج»، تکلیف واریز بهای فرآورده‌های نفتی و خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها در اصل با وزارت نفت بوده است، «برداشت از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی یا اعلام وزارت نفت» به عنوان ضمانت اجرای عدم انجام تکلیفی که اصالتاً متوجه خود «وزارت نفت» بوده است، منطقی نبوده و مفهوماً واجد ابهام است.

۳. ☒ با توجه به این که فرآورده‌های مذکور در ذیل این بند، همان فرآورده‌های مذکور در جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و بند «۱-۲۲» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه است؛ لذا حکم ذیل این بند که آن را از شمول جزء «۱» بند «ح» ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه خارج کرده است، از این جهت ایراد داشته و علاوه بر مغایرت با قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی خواهد بود.

بند «ز» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی و ابهام

۱. این بند دارای ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه سالیانه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. ذکر عنوان «شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» در این بند به دلیل عدم وجود اساسنامه مصوب در خصوص این شرکت واجد ایراد سابق الذکر می‌باشد.

- نکته: عدم تصریح به ذکر واریز «عوارض» موضوع این بند به خزانه کل کشور از آنجا که طبق ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده، این عوارض به حساب‌های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور، توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد واریز می‌گردد مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی نیست.^(۱)

بند «ک» - مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

بر اساس این بند، به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط اجازه داده شده منابع مورد نیاز برای انجام تکالیف این بند را از محل افزایش پنج درصد (۵٪) قیمت هر لیتر فرآورده‌های نفتی به عنوان عوارض و صد درصد (۱۰۰٪) برای موارد مذکور تأمین نماید.

عدم ذکر واریز منابع حاصل از افزایش پنج درصد (۵٪) قیمت هر لیتر فرآورده‌های نفتی به عنوان عوارض به خزانه کل کشور در این بند، مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند الحاقی «۱» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

نظر اول:

این بند فاقد ایراد است.

نظر دوم:

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۱. مؤدیان مکلفند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب‌های رابطی که بنابه درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید: ...

بند الحاقی «۳» - مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

☑ با توجه به این که «منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب ... به حساب خاصی که توسط خزانه داری کل کشور تعیین می شود واریز می گردد و صددرصد (۱۰۰٪) آن پس از دریافت از حساب مذکور برای طرح های توسعه ای این شرکت ها به مصرف می رسد»، حکم این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می باشد. چرا که یکی از اهداف اصلی واریز کلیه وجوه به خزانه کل کشور، متعادل نمودن هزینه ها و درآمدها و رعایت کلیت و انسجام بودجه است. درحالی که با ایجاد درآمد اختصاصی، هر دستگاه به صورت جزیره ای عمل خواهد نمود و این امر مغایر کلیت و انسجام و یکپارچگی بودجه است. در همین خصوص شورای محترم نگهبان در نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱، تبصره «۱» طرح فروش خدمات مشاوره ای کامپیوتری، فنی و انتشاراتی و برگزاری دوره های تخصصی از متقاضیان مصوب ۱۳۶۵/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی را مغایر با مفهوم بودجه و در نتیجه مغایر اصل پنجاه و دوم (۵۲) قانون اساسی اعلام نمود. مطابق این نظریه «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

توضیح آن که تفاوت عمده درآمد عمومی و درآمد اختصاصی در این است که واریز وجه به خزانه در درآمدهای اختصاصی برای دستگاه وصول کننده ایجاد حق می کند درحالی که در درآمدهای عمومی، چنین حقی وجود ندارد.

همچنین درآمدهای اختصاصی با بودجه عملیاتی و اصل عدم تخصیص مغایرت دارد. اختصاصی کردن درآمدها، حتی زمانی که هزینه ها و درآمدها تحت چارچوب بودجه قرار بگیرند، انعطاف پذیری در تخصیص منابع ملی و اولویت بندی برنامه ها را مختل می کند. اختصاصی کردن درآمدها مانع بازبینی برنامه هزینه های دولت به عنوان یک مجموعه واحد جهت اصلاح و برقراری موازنه جدید میان هزینه ها می شود.

بند الحاقی «۴» - مغایرت با اصل ۵۲ و بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی

۱. این بند دارای ماهیت غیر بودجه ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه سالیانه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می شود.

۲. اماکن دینی اقلیت های دینی در این بند به صورت مطلق از پرداخت هزینه مصرف (با رعایت الگوی مصرف) و حق انشعاب برق، آب و گاز معاف شده اند. درحالی که در خصوص اماکن دینی اسلامی منحصر به حوزه های علمیه، مساجد، دارالقرآن ها و حسینیه ها شده است، درحالی که بسیاری دیگر از اماکن دینی و مذهبی (اسلامی) وجود دارد که بر اساس تعاریف قانونی جزء این موارد محسوب نمی شوند. نظیر مؤسسات قرآنی مردمی که تحت عنوان دارالقرآن کریم نیستند اما دارای مجوز رسمی از مراجع ذیصلاح می باشند و یا بقاع متبرکه که خارج از عناوین مذکور می باشد. لذا این بند به دلیل شمول عام

آن نسبت به اماکن دینی اقلیت‌های دینی و عدم شمول آن نسبت به همه اماکن دینی و مذهبی اسلامی، مغایر بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر منع تبعیض ناروا بوده و از سایر جهات نیز محل تأمل است.

بند الحاقی «۵» - ابهام

ذکر عنوان «شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» در این بند به دلیل عدم وجود اساسنامه مصوب در خصوص این شرکت واجد ایراد سابق‌الذکر می‌باشد.

بند الحاقی «۶» - ابهام و مغایرت با اصل ۴۰ قانون اساسی

۱. منظور از «شرکت‌های گازرسانی» در این بند مشخص نیست و معلوم نیست مقصود از این شرکت‌ها همان شرکت‌های وابسته به شرکت ملی گاز نظیر شرکت‌های گاز استانی یا شرکت انتقال گاز ایران است یا خیر؟

۲. تکلیف بانک‌های عامل به پرداخت تسهیلات موضوع این بند به شرکت‌های گاز رسانی، از جهت دخالت در تصمیم‌گیری بانک‌ها در خصوص بانک‌های خصوصی، دخالت در هزینه کرد اموال این بانک‌ها (خصوصی) محسوب شده و لذا مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است.

تبصره ۳ -

بند «الف» - مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) و اصل ۴۵ قانون اساسی

۱. به موجب این بند وزارت امور اقتصادی مجاز شده کلیه سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و حق بهره‌برداری و مدیریت دولت در بنگاه‌های گروه‌های یک و دو ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را واگذار نماید. درحالی‌که بر اساس بند «ج» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی (و همچنین بند «ب» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی) دولت صرفاً مجاز به واگذار هشتاد درصد سهام و سهم‌الشرکه خود در بنگاه‌های گروه «دو» ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است. لذا بند مزبور از این جهت (علاوه بر مغایرت با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی) با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز مغایر است.

۲. عدم ذکر «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی» در این بند به عنوان یکی از بخش‌هایی که امکان واگذاری این موارد به آن وجود دارد (علاوه بر مغایرت با بند «الف» و «ب» ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز مغایر می‌باشد.

۳. واگذاری حقوق مالکانه معادن مغایر اصل ۴۵ قانون اساسی می‌باشد. چرا که مطابق این اصل «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن ... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.» بر این اساس اولاً هیچ یک از نهادهای دولتی و عمومی

دارای «حق مالکیت» بر این اموال نبوده و به تصریح اصل مزبور تنها «در اختیار» آنها قرار دارد تا طبق مصالح عامه مورد استفاده قرار گیرد ثانیاً دولت حق واگذاری حقوق مالکانه این موارد را ندارد و صرفاً می‌تواند بهره‌برداری از آنها را واگذار نماید.

بند «ج» - مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی)

۱. ☒ با توجه به اینکه مفاد ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی همان مفاد جزء «۲» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است؛ لذا حکم این بند که رعایت ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را الزامی ندانسته است، از این جهت (علاوه بر مغایرت با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی) با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی مغایر است.
۲. ☒ همچنین بند مزبور به دلیل اینکه به دولت اجازه داده منابع حاصل از واگذاری‌ها را بدون واریز به خزانه کل کشور به صورت مستقیم به بخش‌های خصوصی و تعاونی جهت پرداخت بدهی‌های خودپردازد مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.
۳. حکم «پاراگراف الحاقی دوم» این بند، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «د» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی و بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی)

۱. این بند، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی است.
۲. ☒ اجازه پرداخت هزینه کارشناسی از محل منابع حاصل از واگذاری‌ها بر اساس این بند به دلیل اینکه به موجب بند «۲» جزء «د» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، تحت عنوان «مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری» محل هزینه درآمدهای ناشی از واگذاری بنگاههای دولتی به بخش غیردولتی تعیین شده است و ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نیز با استناد به بند مزبور در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی محل مصرف وجوه حاصل از واگذاریها را مشخص نموده است و پرداخت هزینه کارشناسی خارج از موارد مذکور در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون مربوط به آن می‌باشد، مغایر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد.
۳. ☒ از آنجایی که به دولت اجازه داد منابع حاصل از واگذاری‌ها را بدون واریز به خزانه کل

کشور به صورت مستقیم جهت پرداخت هزینه‌های کارشناسی بپردازد مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند «ه» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای می‌باشد و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «و» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ز» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه می‌تواند مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب شود.

بند «ح» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ط» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیربودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ی» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیربودجه‌ای می‌باشد و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ک» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ل» - ابهام

بند مزبور از جهت اینکه مشخص نیست پرداخت یک دوازدهم مالیات و سود سهام پیش‌بینی شده در بودجه شرکت به صورت ماهانه و تا زمان واگذاری می‌باشد و یا اینکه صرفاً در زمان واگذاری می‌باشد واجد ابهام است. توضیح آنکه در فرض نخست لازم است عبارت «به صورت ماهانه» قبل از عبارت «تا زمان واگذاری» اضافه شود. در فرض دوم نیز با توجه به اینکه این امکان وجود دارد که شرکت مزبور در نخستین ماه سال مالی واگذار شود، حکم به پرداخت یک دوازدهم مالیات و سود سهام پیش‌بینی شده به صورت مطلق به دولت (خزانة کل کشور) درحالی که مالکیت شرکت به بخش غیردولتی واگذار شده باشد، مغایر اصول ۴۰ و ۴۷ قانون اساسی است.

بند «م» - مغایرت با اصول ۵۲، ۵۳ و ۸۵ قانون اساسی

۱. حکم صدر این بند، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۲. ☒ با توجه به این که «معادل وجوه حاصل از این بند پس از واریز به حساب درآمدهای عمومی دولت ... نزد خزانه‌داری کل کشور حسب مورد با تصویب دولت ... به دستگاه ذی‌ربط ملی یا استانی اختصاص می‌یابد»، حکم صدر این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۱) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

۳. ☒ حکم ذیل این بند مبنی بر تعیین نحوه واگذاری و تعیین صلاحیت شرکت‌ها بدون ذکر هیچ ضابطه‌ای ماهیت قانونگذاری داشته و واگذاری آن به آئین نامه مصوب هیأت وزیران نوعی تفویض قانون‌گذاری محسوب شده و لذا مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

بند «ن» - مغایرت با اصول ۵۲، ۵۳، ۵۷ و ۵۸ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. حکم این بند مبنی بر الزام استانداران به گزارش نمودن عملکرد موضوع این بند به «مجمع نمایندگان هریک از استان‌ها»، مغایر اصول ۵۷ و ۵۸ قانون اساسی است.

۳. ☒ با توجه به این که «خزانه‌داری کل کشور مکلف است ... صددرصد (۱۰۰٪) وجوه واریز شده را در اختیار دستگاه ذی‌ربط قرار دهد»، حکم ذیل این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۲) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند «ص» - مغایرت با اصول ۵۲، ۵۳، ۸۰ و ۸۵ قانون اساسی و ابهام

۱. این بند با توجه به ذکر عبارت «اجاره بلند مدت حداقل ده ساله» دارای ماهیت غیر بودجه‌ای و مغایر اصل سالانه بودن بودجه است و لذا مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی می‌باشد.

۱. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

۲. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

۲. ☒ با توجه به این که «منابع حاصل از واگذاری ... طرح‌ها و پروژه‌ها» در این بند «پس از واریز به حساب درآمدهای عمومی دولت ... حسب مورد ... به دستگاه ذی‌ربط اختصاص می‌یابد»، حکم این به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۱) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.
۳. «واحدهای خدمات‌رسانی»، «بخش غیر دولتی صاحب صلاحیت» و «خیرین» در این بند مصداقاً واجد ابهام است.
۴. تهاوتر میان وجه حاصل از واگذاری واحدهای خدمت‌رسانی در مقابل دریافت خدمات از سوی دولت مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.
۵. ☒ «اعطای تخفیفات» به موجب آئین نامه اجرایی به موجب این بند، مغایر اصل ۸۰ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب مجلس در خصوص اعطای کمک‌های بدون عوض داخلی از سوی دولت می‌باشد.
۶. ☒ واگذاری نحوه اجرای این بند و عدم تصریح به رعایت قوانین و مقررات مربوط به دلیل عدم رعایت غبطه و مصالح ملی مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی و بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر منع اضرار به غیر و ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.
۷. ☒ تعیین نحوه و ترتیب واگذاری‌های موضوع این بند و محل مصرف وجوه حاصل از این واگذاری‌ها و سپردن نحوه اجرای این بند به آئین نامه اجرایی به دلیل اینکه فارغ از ترتیبات و محل مصرف وجوه حاصل از واگذاری‌ها مذکور در سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد، مغایر سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.
۸. ☒ حکم ذیل این بند که تعیین «روش کشف و تعیین قیمت و اعطای تخفیفات و تسهیلات، تقسیط تعهدات متقاضیان، نحوه اطلاع‌رسانی واگذاری‌ها، انتخاب متقاضیان، مدت زمان به بهره‌برداری رساندن پروژه‌های واگذارشده، نظارت بر کاربری و استانداردهای بهره‌برداری و خدمات‌رسانی پروژه‌ها بعد از بهره‌برداری و همچنین رعایت حقوق مصرف‌کنندگان» را بدون هیچ ضابطه‌ای به هیأت وزیران سپرده است، قانون‌گذاری محسوب شده و مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. همچنین در مورد «اعطای تخفیفات و تسهیلات» توسط هیأت وزیران، مغایر اصل ۸۰ قانون اساسی مبنی بر «لزوم تصویب گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت در مجلس شورای اسلامی» نیز است.

۱. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شوری نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

بند الحاقی «۱» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۲» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۳» - مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

با توجه به این که «وجوه حاصل از واگذاری‌ها به حسابی که به همین منظور نزد خزانه‌داری کل کشور منظور می‌گردد واریز و معادل صددرصد (۱۰۰٪) آن ... در اختیار سازمان امور عشایر ایران قرار می‌گیرد»، حکم ذیل این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۱) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند الحاقی «۴» - مغایرت با اصول ۵۲ و ۴۰ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. الزام «کارفرمایان ... خصوصی» به «تأمین مسجد و واحدهای آموزشی مورد نیاز در شهرک‌های جدید و در شهرهای با جمعیت بیش از دویست‌هزار نفر» بدون تأمین منابع آن توسط دولت، اضرار به غیر بوده و لذا مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است.

تبصره ۴ -

بند «الف» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

حکم پاراگراف الحاقی دوم در این بند، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ب» - مغایرت با اصول ۵۲ و ۸۵ قانون اساسی

در این بند اجازه جابجایی اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در هر دستگاه در قالب فصل ذیربط بدون هیچ محدودیتی به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور داده شده

۱. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

است. لذا حکم این بند به جهت عدم تعیین ضابطه و سقف برای جابه‌جایی اعتبارات، مغایر ذیل اصل ۵۲ و اصل ۸۵ قانون اساسی است.

تبصره ۵-

این تبصره در بندهای متعدد خود به اصلاح ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم پرداخته است. لازم به ذکر است که ماده (۸۴) مزبور در حکم اساسنامه صندوق توسعه ملی می‌باشد. همچنین قابل ذکر است که در بند «ط» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم محل مصرف منابع صندوق نیز مشخص شده است و مرجع تشخیص چگونگی هزینه کردن اعتبارات صندوق به موجب این ماده هیأت امناء صندوق است.

بند «الف»-

مطابق تبصره «۲» بند «ط» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه اعطای تسهیلات توسط صندوق، فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند. لذا این بند مبنی بر پرداخت تسهیلات به صورت ریالی موجب اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه است.

بند «ب»- مغایرت با اصل ۵۲ و بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

بر اساس بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه «ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی، و عمومی غیردولتی با هدف تولید و سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی» است.

در حالیکه بر اساس این بند به صندوق توسعه ملی اجازه داده شده تا بیست درصد منابع خود را بانک‌های دولتی و خصوصی سپرده‌گذاری نماید. حکم مزبور از دو جهت واجد ایراد و مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه می‌باشد. اول اینکه اطلاق سپرده‌گذاری در بانک بدون تعیین محل مصرف تسهیلات ناشی از این سپرده‌گذاری به دلیل اینکه شامل اعطای وام از این محل به بخش دولتی (علاوه بر بخش خصوصی) نیز می‌شود مغایر بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مبنی بر ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی می‌باشد.

دوم اینکه سپرده‌گذاری در بانک‌های دولتی به دلیل اینکه خود این بانک‌ها از جمله مهمترین شرکت‌های دولتی محسوب می‌شوند و بر اساس سیاست‌های کلی برنامه پنجم یکی از اهداف اصلی تأسیس صندوق توسعه ملی اختصاص بخشی از منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی جهت تولید و سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و خارج نمودن این بخش از اختیار دولت بوده است، مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در خصوص ایجاد صندوق توسعه ملی است. در واقع نفس سپرده‌گذاری منابع صندوق توسعه ملی در بانک‌های دولتی، هرچند سود این سپرده‌گذاری به حساب سرمایه‌گذار (صندوق توسعه ملی) واریز شود مصداق بارز بهره‌مندی بانک‌های دولتی از منابع صندوق است که این موضوع با جهت و رویکرد سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص ایجاد این صندوق مغایرت دارد. بویژه اینکه در متن این بند تصریحی به چگونگی هزینه کرد این وجوه توسط بانک‌های عامل از جمله بانک‌های دولتی نشده و صرفاً بیان

شده است سود حاصل از این سپرده‌گذاری به صندوق توسعه ملی تعلق دارد، بدیهی است سپرده‌گذاری در بانک وقتی با دریافت سود همراه است که بانک با این منابع در طرح‌های سودده مشارکت کرده و ضمن بهره‌مندی از بخش قابل توجهی از سود مشارکت خود، بخشی از سود حاصله را نیز حسب ضوابط قانونی به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند، هرچند همانطور که گفته شد قطع نظر از امکان دادن تسهیلات به بخش دولتی توسط بانک-های عامل از محل سپرده‌گذاری منابع صندوق توسعه ملی بدلیل اطلاق حکم این بند، نفس سپرده‌گذاری منابع صندوق در بانک‌های دولتی، خود مصداق بارز بهره‌مندی دولت از منابع صندوق است.

لذا بند مزبور به دلیل مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه به خصوص بند (۲-۲۲) این سیاست‌ها مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

لازم به توضیح است که مشابه این حکم در لایحه اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۲ نیز مقرر شده بود که با ایراد ابهام از سوی شورای نگهبان مواجه گردید. بر اساس لایحه مزبور به صندوق توسعه ملی اجازه داده شده بود تا حداکثر شش درصد منابع وارده در سال ۱۳۹۲ را به صورت سپرده نزد بانکهای دولتی داخلی پس انداز نماید و بانک سپرده‌پذیر مکلف گردیده بود تا دو برابر مبلغ سپرده‌گذاری شده را تسهیلات بدهد.

شورای نگهبان نیز در نظر خود به شماره ۹۲/۳۰/۵۲۳۲۴ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۶ مقرر مزبور را از جهت اینکه امکان استفاده بخش دولتی از این تسهیلات وجود دارد واجد ابهام دانسته بود.

بند «ج» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه بوده و دارای ماهیت غیر بودجه‌ای است و براساس آن اجازه داده شده حسابهای صندوق توسعه ملی علاوه بر نزد بانک مرکزی، نزد «حسابهای مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور» نیز نگهداری شود. لذا ذکر این بند در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «د» -

طبق تبصره «۲» بند «ط» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه «اعطای تسهیلات موضوع این ماده فقط به صورت ارزی است». از این رو حکم این بند مبنی بر پرداخت و بازپرداخت ریالی بخشی از منابع صندوق، اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه محسوب می‌شود.

بند «ه» - مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

عبارت «بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیر دولتی صنعت و معدن و گردشگری» در این بند واجد ابهام می‌باشد و مشخص نیست به صورت مطلق مد نظر می‌باشد یعنی سه دسته مجزای «بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیر دولتی»، «بنگاه‌های اقتصادی صنعت و معدن» و «بنگاه‌های اقتصادی گردشگری» مد نظر قانونگذار است و یا صرفاً معطوف به بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی است. در صورتی که به صورت مطلق مد نظر باشد از جهت اینکه این اطلاق شامل بنگاه‌های دولتی بخش صنعت و معدن و گردشگری نیز می‌شود، مغایر بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مبنی بر

اختصاص تسهیلات صندوق توسعه ملی به «بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی) بوده و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است. در غیر این صورت با توجه به تعریف مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات موجود «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صنعت و معدن و گردشگری» فاقد مفهوم مشخصی می‌باشد.

بند «و» - مغایرت با اصول ۵۲ و ۴۰ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. در این بند تکلیف بانک‌های عامل به پرداخت تسهیلات از محل منابع داخلی خود (علاوه بر پرداخت ۵٪ از منابع بندهای «د» و «ه» این تبصره) به دلیل آنکه اطلاق آن شامل بانکهای خصوصی نیز می‌شود از جهت دخالت در تصمیم‌گیری این بانک‌ها دخالت در هزینه کرد اموال این بانکها (خصوصی) محسوب شده و لذا مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است.

- تذکر: واژه «ایثارگران» در انتهای این بند، باید به واژه «ایثارگران» تصحیح شود.

بند «ز» - مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی

❑ عدم ذکر «بخش تعاونی» در کنار «بخش خصوصی» در این بند، مغایر سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به‌ویژه بند «ب» آن (سیاست‌های کلی بخش تعاونی) بوده و لذا از این جهت مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

بند «ح» - مغایرت با اصل ۱۱۲ و بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

❑ با توجه به اینکه بر اساس ماده (۵) «قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری و اختراعات»، صندوق نوآوری و شکوفایی زیر نظر رئیس جمهور اداره می‌شود و از این جهت نهادی دولتی محسوب می‌شود، اختصاص منابع صندوق توسعه ملی به این صندوق، (علاوه بر مغایرت با جزء «۱» بند «ط» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه)، مغایر با بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مبنی بر اختصاص تسهیلات صندوق توسعه ملی به «بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی)» و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد. لازم به ذکر است که هرچند مصارف و تسهیلات صندوق نوآوری و شکوفایی به بخش خصوصی و غیردولتی اختصاص می‌یابد و در تبصره «۲» ماده (۵) قانون مزبور نیز به این امر تصریح شده است ولیکن ایراد مذکور به دلیل اختصاص یافتن منابع صندوق توسعه ملی به این صندوق همچنان باقی می‌باشد. توضیح آنکه مجلس با اجازه تأسیس این صندوق دولت را موظف به انجام یکسری امور نموده، اما تکلیف مزبور بدان معنی نیست که دولت جهت انجام تکلیف خود از منابع صندوق توسعه

ملی که دارای مصارف مشخصی است استفاده نماید.

مضاف بر اینکه بر اساس ماده (۵) قانون مزبور دولت موظف شده است در لایحه بودجه حداقل نیم درصد از منابع بودجه عمومی خود را جهت کمک به این صندوق در نظر بگیرد. لذا اختصاص منابع صندوق توسعه ملی به صندوق دولتی نوآوری و شکوفایی هرچند منابع صندوق اخیر در جهت حمایت بخش خصوصی هزینه خواهد شد، مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در واقع اصلاح اساسنامه صندوق توسعه ملی (ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه) است چراکه صندوق توسعه ملی بر اساس سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب تشکیل و تجهیز منابع شده تا بر اساس اساسنامه خود و بر مبنای تصمیمات متخذه توسط ارکان خود در خدمت توسعه اقتصادی توسط بخش‌های غیر دولتی باشد نه اینکه هرگاه بر اساس قوانین عادی، دولت موظف به ارائه خدماتی به بخش‌های غیر دولتی شده باشد (که قاعدتاً بخش مهمی از وظایف دولت، خدمت‌رسانی به بخش غیر دولتی است) از منابع صندوق توسعه ملی هزینه کند. در غیر این صورت امکان هزینه کرد منابع صندوق توسعه ملی برای هرگونه وظایف دولت که بهره‌برداران آن وظایف، بخش غیر دولتی باشند فراهم خواهد شد و فلسفه وجودی تشکیل صندوق توسعه ملی که رشد اقتصاد بخش غیر دولتی و جدا کردن سالانه حداقل بیست درصد درآمد ناشی از فروش انفال از بودجه دولت است زیر سؤال خواهد رفت.

همچنین با توجه به این که این بند به نوعی به اصلاح تبصره «۳» بند «ط» ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (مورخ ۱۰/۲۱ و ۱۳۹۲/۱۰/۲۵) مبنی بر اینکه «اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود» پرداخته است، مغایر نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان و اصل ۱۱۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ط» - مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

۱. تسویه بدهی دولت به بانک‌های دولتی مزبور در این بند و افزایش سرمایه دولت در این بانک‌ها از محل وصول تسهیلات اعطایی از حساب ذخیره ارزی به بخش‌های خصوصی و تعاونی بدون واریز این وجوه به خزانه و سپس برداشت از آن، تهاوتر محسوب شده و لذا مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.
۲. با توجه به ماده (۸۵) قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر اینکه وجوه حاصل از بازپرداخت تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی باید به همان حساب واریز شود، اجازه واریز آنها به حسابهای دیگر، مغایر قانون برنامه بوده و لذا این بند اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه است.
۳. همچنین با توجه به حکم بند «ب» ماده (۸۵) قانون برنامه پنجم توسعه که مفید حصر می‌باشد، توسعه شمول موارد استفاده از حساب ذخیره ارزی برای افزایش سرمایه بانکهای دولتی نیز مغایر قانون برنامه پنجم توسعه است.

۴. پاراگراف الحاقی اول از چند جهت واجد ایراد می‌باشد:

اول اینکه حکم مزبور دارای ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

دوم اینکه تعیین ضوابط موارد مذکور در این پاراگراف در دستورالعمل مصوب شورای پول و اعتبار در مواردی که این امور ماهیت اجرایی و آئین‌نامه‌ای دارد نظیر نحوه تسویه مطالبات مذکور با گیرندگان تسهیلات، نحوه افزایش سرمایه، نرخ تبدیل ارز به ریال و زمان استمهال به دلیل اینکه اکثریت اعضای شورای مزبور از غیر وزراء می‌باشند^(۱) (سه نفر از یازده نفر عضو دارای حق رأی) مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی مبنی بر اختیار وزراء و هیأت وزیران در تصویب آئین نامه است.

سوم اینکه تعیین نحوه برخوردگی جریمه‌ها توسط شورای پول و اعتبار به دلیل اینکه ممکن است موجب صلح و سازش نسبت به منابع دولتی شود مغایر اصل ۱۳۹ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس نسبت به هر مورد صلح و سازش نسبت به اموال عمومی و دولتی است.

چهارم اینکه اطلاق «تعیین اختیار هیأت مدیره بانکها در زمینه مزبور توسط شورای پول و اعتبار»، بدون هیچگونه ضابطه‌ای مغایر صدر اصل ۸۵ قانون اساسی است و از جهت اینکه «اختیارات هیأت مدیره» بانک‌های دولتی واجد ماهیت اساسنامه‌ای است و باید توسط مجلس رأساً و یا با مجوز مجلس توسط دولت یا کمیسیون‌های داخلی مجلس تصویب شود، مغایر ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی محسوب می‌شود.

در این خصوص شورای نگهبان نظرات متعددی مبنی بر مغایرت واگذاری تصویب اساسنامه بدون تعیین ضابطه به غیر مجلس داشته است. به عنوان نمونه این شورا در نظریه شماره ۳۱۷۳ مورخ ۱۳۶۷/۹/۲۰ در خصوص لایحه اداره امور شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۳ تفویض اختیار در تصویب اساسنامه به هیأت وزیران بدون تعیین ضوابط را مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی دانسته است.

همچنین شورای نگهبان در اظهار نظر خود پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور «تبصره الحاقی به بند ۲-۳» که بر اساس آن یکسری از صلاحیت‌ها به شورای پول و اعتبار واگذار شده بود، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخت.

- نظر دوم:

علاوه بر ایرادات فوق الذکر در این پاراگراف ذکر شده «نحوه تسویه مطالبات بانک‌ها با گیرندگان تسهیلات» به موجب دستورالعمل شورای پول و اعتبار خواهد بود، اطلاق این حکم از جهت اینکه ممکن است ترتیبات مقرر در دستورالعمل مذکور مغایر قراردادهای خصوصی بانکها با گیرندگان تسهیلات باشد و به اضرار این افراد بیانجامد مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است.

۱. ماده ۸۹- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

- وزیر امور اقتصادی و دارائی یا معاون وی
- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور یا معاون وی
- دو تن از وزراء به انتخاب هیأت‌وزیران
- وزیر بازرگانی
- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری
- دادستان کل کشور یا معاون وی
- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
- رئیس اتاق تعاون
- نمایندگان کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هرکدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس

۵. حکم پاراگراف الحاقی دوم در این بند، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۱» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۲» - مغایرت با بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه)

✓ اطلاق عبارت «پیمانکاران ایرانی» در این بند، به جهت شمول بر پیمانکاران ایرانی دولتی، مغایر بند «۲-۲۲» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه است که بر «ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی» تأکید می‌نماید؛ لذا حکم این بند از این جهت ایراد داشته و مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند «۱» اصل یک‌صد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی خواهد بود.

بند الحاقی «۳» - ابهام

۱. در این بند برای طرح‌هایی که به دلیل «عوامل غیر ارادی» امکان انجام تعهدات خود را ندارند حکم خاصی مشخص شده است اما از آنجا که هیچ گونه ضابطه‌ای برای تشخیص این عوامل غیر ارادی ارائه نشده است و حتا مرجع تشخیص این موضوع نیز مورد اشاره قانونگذار قرار نگرفته است عبارت «عوامل غیر ارادی» واجد ابهام است.

۲. این بند اصلاح بند «د» ماده (۸۵) قانون برنامه پنجم توسعه محسوب می‌شود که بر اساس آن ایفاء باقیمانده تعهدات حساب ذخیره ارزی به بخش‌های غیردولتی، خصوصی و تعاونی به عهده همین حساب می‌باشد.

بند الحاقی «۵» - مغایرت با اصل ۱۱۲ و بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی

۱. با توجه به این که این بند با استثناء نمودن گروهی از سرمایه‌گذاران خارجی از شمول جزء ۵ بند ط ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام^(۱)، به نوعی به اصلاح آن مبادرت می‌نماید، مغایر نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان و اصل ۱۱۲ قانون اساسی است.

۲. ✓ حکم این بند به جهت ایجاد تمایز بین سرمایه‌گذاران داخلی و سرمایه‌گذاران خارجی، تبعیض ناروا محسوب شده و لذا مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است.

۱. ط - مصارف صندوق:

«۵ - اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه گذاری در ایران با رعایت اصل هشتادم (۸۰) قانون اساسی می‌باشد.»

بند الحاقی «۶» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۷» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند الحاقی «۸» - مغایرت با اصل ۱۱۲ و بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی

۱. ☒ با توجه به این که این بند با تصریح به عاملیت صندوق توسعه ملی در اعطای تسهیلات، به اصلاح تبصره «۳» بند «ط» ماده ۸۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر اینکه «اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود» مبادرت می‌نماید، مغایر نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان و اصل ۱۱۲ قانون اساسی است.
۲. ☒ حکم این بند به جهت عدم ذکر سایر افراد غیر از عشایر، تبعیض ناروا محسوب شده و لذا مغایر بند «۹» اصل ۳ قانون اساسی است.

تبصره ۶ -

بند «الف» - ابهام و مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

۱. ☒ حکم این بند به جهت عدم واریز درآمد حاصله به خزانه‌داری کل کشور مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.
۲. مفهوم «شرکت‌های وابسته و تابعه» در این بند مشخص نیست و از این جهت واجد ابهام است. در این خصوص هیچگونه تعریف قانونی وجود ندارد.

بند «ج» - مغایرت با اصول ۴۰ و ۴۶ قانون اساسی

واگذاری اوراق مشارکت فروش نرفته به پیمانکاران، مشاوران و تأمین کنندگان تجهیزات در قبال طلب آنان بدون رضایتشان مغایر اصول ۴۰ و ۴۶ قانون اساسی مبنی بر منع اضرار به غیر و مشروعیت مالکیت حاصل از کسب و کار خویش است. شورای نگهبان در بند «۵» اظهار نظر خود درباره لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور بیان نموده «واگذاری سهام باید در قبال دیون با رضایت طرف باشد و الا خلاف شرع است».

بند «و» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه می‌تواند مغایر با اصل پنجاه و دوم (۵۲) قانون اساسی محسوب شود.

بند «ط» - ابهام و مغایر اصول ۴۰، ۴۶ و ۵۲ قانون اساسی

۱. این بند و اجزاء آن، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۲. در این بند به دولت اجازه داده شده که «اسناد خزانه اسلامی» را برای تأدیه بدهی خود به اشخاص غیردولتی منتشر نماید. در این خصوص نکات زیر قابل توجه است:

۱- ماهیت «اسناد خزانه اسلامی» در این بند مشخص نیست و تعریف قانونی از این اسناد وجود ندارد. با توجه به اینکه «اوراق مشارکت» در اصل نشان دهنده سهم دارنده آن در یک طرح مولد بوده و قسمتی از سود حاصل از آن طرح به دارنده این اوراق میرسد، ولی در این اسناد چنین چیزی وجود ندارد، نمی‌توان آنها را اوراق مشارکت دانست. ظاهراً این اوراق صرفاً یک برگه نشان دهنده طلب از دولت است و باعث تأخیر در پرداخت بدهی دولت می‌گردد.

۲- اعطای اسناد خزانه اسلامی به طلبکاران به جای وجه نقد، برای تأدیه مطالبات آنها، در صورت عدم رضایت ایشان، می‌تواند موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم سازد و از این حیث مغایر اصول ۴۰ و ۴۶ قانون اساسی مبنی بر منع اضرار به غیر و مشروعیت مالکیت حاصل از کسب و کار خویش است.

بند الحاقی - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۷ -

بند «الف» - مغایرت با اصول ۵۳ و ۸۵ قانون اساسی

۱. ☒ با توجه به این که «وجوه حاصل از واگذاری‌ها به حسابی که به همین منظور نزد خزانه‌داری کل کشور منظور می‌گردد واریز و معادل صددرصد (۱۰۰٪) آن ... در اختیار سازمان امور عشایر ایران قرار می‌گیرد»، حکم ذیل این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۱) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

۲. ☒ با توجه به این که طبق ماده (۶) «قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانکها» مصوب ۱۳۸۶/۴/۵، تصویب اساسنامه بانک‌های دولتی بر عهده هیأت وزیران است^(۲)، «افزایش سرمایه

۱. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شوری نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورتها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

۲. ماده ۶ - به منظور ارتقاء کارآیی و هماهنگی اختیارات و مسؤولیتها در مدیریت بانکها از تاریخ تصویب این قانون، شورای عالی بانکها منحل و وظایف آن به هیأت‌مدیره بانکها واگذار می‌گردد.
وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت یک ماه از تصویب این قانون، اساسنامه بانک‌های دولتی را اصلاح و به تصویب هیأت وزیران برساند.

بانک‌های دولتی» دارای ماهیت اساسنامه‌ای است؛ لذا سپردن تصویب آن به «مجمع عمومی بانک‌ها» در این بند، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی مبنی بر اجازه مجلس به تفویض تصویب اساسنامه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به دولت و یا کمیسیون‌های داخلی مجلس است.

بند «ب» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند حاوی امری غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ج» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

تبصره ۸ -

۱. کل تبصره ۸ و بندها و اجزاء آن، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. ☒ واژه «مجمع» در صدر تبصره «۸»، از این جهت که معلوم نیست منظور از آن مجمع عمومی شرکت‌ها یا چیز دیگری است، واجد ابهام می‌باشد. اگر منظور از آن، مجمع عمومی شرکت‌های دولتی باشد که ظاهراً چنین است، استفاده از آن در مورد کلیه دستگاه‌های اجرایی با ابهام روبرو است؛ چراکه غیر از شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌های اجرایی، مجمع ندارند.

بند «الف» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

جزء «۲» این بند دارای ماهیت غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ب» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند حاوی امری غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ج» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند دارای ماهیت غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «س» -

این بند در واقع اصلاح قانون برنامه پنجم توسعه است. چرا که بر اساس ماده (۸۴) این قانون مصارف صندوق توسعه ملی مشخص شده است و مرجع تشخیص چگونگی هزینه کردن اعتبارات صندوق به موجب این ماده هیأت امنا صندوق است.

بند «ز» - ابهام

☒ عبارت «اشخاص ثالث صاحب صلاحیت» در این بند، واجد ابهام است.

بند «ح» - مغایرت با اصل ۱۵ قانون اساسی و ابهام

۱. ☒ استفاده از واژه بیگانه «مدل» در این بند، مغایر اصل پانزدهم (۱۵) قانون اساسی است.
۲. ☒ اگرچه در بند «ل» تبصره «۸» به مرجع «تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها» اشاره شده است، اما به جهت جمله‌بندی نامناسب، مرجع تصویب «دستورالعمل ارزیابی مالی پیشنهاد دهندگان» در این بند، واجد ابهام است.

بند «ط» - مغایرت با اصل ۸۵ قانون اساسی

- ☒ حکم این بند که «تشخیص صلاحیت شرکت‌ها» را بدون هیچ ضابطه‌ای به دستورالعمل‌های معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور سپرده است، قانون‌گذاری محسوب شده و مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. بندهای الف و ل و جزء ۱ بند ز که به ترتیب به «شرکت پروژه صاحب صلاحیت»، «تشخیص صلاحیت شرکت‌ها» و «اشخاص صاحب صلاحیت» اشاره کرده است، مبنیاً بر همین ایراد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.

تبصره ۹-

بند «ب» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

- آنچه در این بند آمده، تمدید زمان اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده است که امری غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

بند «ج» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی

- این بند در صدد اصلاح ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره ۲ ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد که به موجب آن تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی است. لذا جایگاه آن در بودجه نمی‌باشد و لازم است در صورت ضرورت به صورت مستقل و جداگانه مورد حکم مقنن قرار گیرد. بنابراین این بند حاوی حکمی غیربودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

- این بند حاوی امری غیربودجه‌ای است و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.

بند «ه» - مغایرت با اصل ۵۳ قانون اساسی

- ☒ با توجه به این که «وزارت نیرو ... مکلف است به‌ازای هر متر مکعب فروش آب شرب مبلغ یک‌صد (۱۰۰) ریال از مشترکین آب دریافت و به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید» و «صددرصد (۱۰۰٪) وجوه دریافتی ... از محل حساب مذکور صرفاً جهت آبرسانی اختصاص می‌یابد»، حکم این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه

به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۱) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند «و» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند دارای ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه سالیانه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

بند «ز» - مغایرت با اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی

با توجه به این که «وزارت نیرو موظف است ... به ازای هر کیلو وات ساعت برق فروخته شده، مبلغ سی (۳۰) ریال ... از مشترکین برق ... دریافت نماید» و «وجوه حاصله به حساب شرکت توانیر نزد خزانه داری کل کشور واریز و عین وجوه دریافتی صرفاً بابت حمایت از توسعه و نگهداری شبکه‌های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک هزینه می‌شود»، حکم این بند به معنای ایجاد نوعی درآمد اختصاصی است و لذا حکم صدر این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی با توجه به توضیحات پیش گفته (ذیل بند الحاقی «۳» تبصره «۲») و نظر پیشین شورای نگهبان^(۲) مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد.

بند «ح» - مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی و ابهام

۱. این بند به جهت اصلاح قانون دائمی (تبصره ۲ ماده (۳۹) «قانون مالیات بر ارزش افزوده»)^(۳)، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۲. ☒ از آنجا که سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، فاقد اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی یا هیأت وزیران است، عبارت «سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها» در این بند، واجد ابهام است.

- ☒ تذکر: عبارت «سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها» در این بند، باید به عبارت «سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور» تغییر یابد.

۱. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

۲. نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورت‌ها بر مصارف و موارد توزیع شود، اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

۳. تبصره ۲ - حساب تمرکز وجوه قید شده در این ماده توسط خزانه داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثناء نحوه توزیع مذکور در قسمت‌های اخیر بند (الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه یافتگی و جمعیت و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت تحت نظر کار گروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آئین‌نامه اجرائی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها به تصویب هیأت وزیران می‌رسد توزیع و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هزینه می‌شود. هرگونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به‌جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می‌باشد. وزارت کشور موظف است، گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یک‌بار به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

بند الحاقی «۱»-

✓ با توجه به این که طبق تبصره ۲ ماده (۱۱۷) «قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه»^(۱)، نرخ افزایش سالانه مالیات بر ارزش افزوده، یک درصد (۱٪) در هر سال است، حکم این بند که این نرخ را در سال ۱۳۹۳، دو درصد (۲٪) تعیین کرده است، مغایر قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه است.

بند الحاقی «۲»- مغایرت با اصل پنجاودوم (۵۲) قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۳»- مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی و ابهام

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.
۲. ✓ عبارت «این قانون» در این بند، از این جهت که معلوم نیست منظور از آن همین مصوبه است یا «قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان» مصوب ۱۳۴۸/۲/۲۱ که ظاهراً منظور از آن همین مورد اخیر بوده است، واجد ابهام است.

تبصره ۱۰-

بند «الف»- مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی

استفاده از کلمه «کنسانتره» در این بند بدون ذکر معادل فارسی آن (افشره) مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر استفاده از زبان فارسی در اسناد رسمی است.

تبصره ۱۱-

بند «ب»- مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی

در این بند تکلیف بانک‌های عامل به پرداخت تسهیلات از محل منابع داخلی خود به دلیل آنکه اطلاق آن شامل بانکهای خصوصی نیز می‌شود از جهت دخالت در تصمیم‌گیری این بانک‌ها در هزینه کرد اموالشان که می‌تواند منجر به اضرار سهامداران آنها گردد، مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۱»- مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی

۱. حکم به بخشودگی جریمه بیمه اجتماعی کشاورزان موضوع این بند در خصوص صندوق‌های غیردولتی به جهت اضرار به آنها مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی می‌باشد. همچنین لازم به ذکر است که مطابق جزء «۳» بند «الف» ماده (۲۶) قانون برنامه پنجم توسعه «ایجاد هر گونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوقها ممنوع است. تعهدات تکلیف شده فقط در

۱. تبصره ۲- دولت مکلف است با اجرای کامل قانون مالیات بر ارزش افزوده، نرخ این مالیات را از سال اول برنامه سالانه یک واحد درصد اضافه نماید؛ به‌گونه‌ای که در پایان برنامه نرخ آن به هشت درصد (۸٪) برسد. سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از نرخ مزبور سه درصد (۳٪) (به عنوان عوارض) و سهم دولت پنج درصد (۵٪) تعیین می‌شود.

حدود ارقام مذکور قابل اجراء است.» لذا حکم بند مزبور از جهت اینکه موجب بار مالی بوده و خارج از ارقام مقرر در جداول بودجه است، مغایر حکم قانون برنامه پنجم نیز است.

۲. بخشودگی جریمه دیرکرد تسهیلات بانکی پرداخت به کشاورزان، در خصوص بانک‌های خصوصی به دلیل اینکه منجر به اضرار به سهامداران این بانک‌ها خواهد شد مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی است. لیکن در مورد بانک‌های دولتی هر چند امکان دارد که سود متعلق به بانک کاهش یابد، اما به دلیل اینکه سهامدار آن دولت می‌باشد و ارتباط افراد خصوصی با این بانک‌ها در چارچوب قرارداد منعقد شده میان آنها می‌باشد و در هر صورت بدون توجه به میزان سود حاصل توسط بانک اجرا خواهد شد، فاقد ایراد است.

بند الحاقی «۲» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند دارای ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

تبصره ۱۲-

بند «الف» - مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی

استفاده از کلمه «اپراتور» بدون ذکر معادل فارسی آن (کاربر) در این بند (سطر دوم و پنجم) مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

بند «ب» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند دارای ماهیت غیر بودجه ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۱۳-

بند «الف» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند در تمام اجزاء خود دارای ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

- تذکر: عبارت «سازمان بسیج» باید به «سازمان بسیج مستضعفین» اصلاح شود.

بند «ب» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند نیز در تمام اجزاء خود دارای ماهیت غیر بودجه ای است و ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

توضیح آنکه سازوکار و شیوه‌های انجام امور تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی با رعایت اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت در ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری تعیین

شده است که در هیچ یک از آنها واگذاری اختیارات مالی به مدیران مدارس دیده نمی شود. طبق ماده (۱۶) قانون مزبور، «به منظور افزایش بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول (ستانده) و کنترل مراحل انجام کار و یا هردو، جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری و اعطاء اختیارات لازم به مدیران برای اداره واحدهای تحت سرپرستی خود براساس آئین‌نامه‌ای که توسط سازمان تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد دستگاههای اجرائی موظف» شدند به «انعقاد تفاهم نامه با مدیران واحدهای مجری براساس حجم فعالیت‌ها و خدمات و قیمت تمام‌شده آن و تعیین تعهدات طرفین» (بند «ج»). طبق ماده (۴) آیین نامه اجرایی ماده (۱۶) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۹/۷/۱۱، «اجرای احکام این آیین نامه توسط دستگاه‌های اجرایی از طریق واحدهای مجری به موجب تفاهم نامه‌ای خواهد بود که حسب مورد بین مقام ذی صلاح دستگاه اجرایی و مدیر واحد مجری منعقد می‌شود.» بر این اساس، مفاد جزء «۱» این بند مبنای قانونی نداشته و در حکم قانونگذاری جدید است که دارای ماهیت غیربودجه‌ای بوده و در نتیجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

حکم مقرر در جزء «۲» این بند نیز نه تنها در اجرای ماده (۱۹) قانون برنامه پنجم توسعه نمی باشد بلکه مغایر جزء (د) آن نیز می‌باشد. طبق جزء (د) ماده (۱۹) قانون برنامه پنجم توسعه، «وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام نماید.» لذا این جزء مغایر قانون برنامه پنجم توسعه است.

بند «ج» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند دارای ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د» - مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. این بند دارای ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه سالیانه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۲. حکم این بند مبنی بر ایجاد درآمد اختصاصی مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می‌باشد. چرا که یکی از اهداف اصلی واریز کلیه وجوه به خزانه کل کشور، متعادل نمودن هزینه‌ها و درآمدها و رعایت کلیت و انسجام بودجه می‌باشد. در حالیکه با ایجاد درآمد اختصاصی، هر دستگاه به صورت جزیره‌ای عمل خواهد نمود و این امر مغایر کلیت و انسجام و یکپارچگی بودجه است. در همین خصوص شورای نگهبان در نظریه شماره ۲۴۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ تبصره «۱» طرح فروش خدمات مشاوره‌ای کامپیوتری، فنی و انتشاراتی و برگزاری دوره‌های تخصصی از متقاضیان مصوب ۱۳۶۵/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی را مغایر با مفهوم بودجه و در نتیجه مغایر اصل ۵۲ اعلام نمود. مطابق این نظریه «تبصره ۱ از لحاظ اینکه بر حسب مفهوم بودجه سالانه باید همه ساله کل دخل و خرج از جانب دولت بررسی و درآمدها بر حسب نیازها و ضرورتها بر مصارف و موارد توزیع شود. اختصاص درآمد خاص به مورد خاص با مفهوم بودجه و در نتیجه با اصل ۵۲ قانون اساسی مغایرت دارد.»

توضیح آنکه تفاوت عمده درآمد عمومی و درآمد اختصاصی در این است که واریز وجه به خزانه در درآمدهای اختصاصی برای دستگاه وصول کننده ایجاد حق می‌کند در حالی که در درآمدهای عمومی، چنین حقی وجود ندارد.

همچنین درآمدهای اختصاصی با بودجه عملیاتی و اصل عدم تخصیص مغایرت دارد. اختصاصی کردن درآمدها، حتی زمانی که هزینه‌ها و درآمدها تحت چارچوب بودجه قرار بگیرند، انعطاف پذیری در تخصیص منابع ملی و اولویت‌بندی برنامه‌ها را مختل می‌کند. اختصاصی کردن درآمدها مانع بازبینی برنامه هزینه‌های دولت به عنوان یک مجموعه واحد جهت اصلاح و برقراری موازنه جدید میان هزینه‌ها می‌شود.

بند «و» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ز» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند ماهیت غیر بودجه ای دارد و ذکر آن در قانون بودجه به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای آن، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ط» - مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی

این بند به حساب «درآمد اختصاصی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی» اشاره داشته است. همانطور که در خصوص بند «د» تبصره «۱۳» بیان شد، تجویز درآمد اختصاصی قابل قبول نبوده و علاوه بر مغایرت با اصول حقوقی بودجه مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی است.

بند الحاقی - ابهام

«سازمان امور دانشجویان» از جهت اساسنامه، شرح وظایف و جاگاه قانونی آن محل ابهام است. دولت مطابق بند «ه» ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه مکلف بوده «به منظور کاهش تصدی‌گری، جلوگیری از انجام امور موازی و تقویت نقش حاکمیتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وحدت رویه در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، ارتقاء کمیت و کیفیت ارائه خدمات دانشجویی نسبت به ایجاد مدیریت واحد ساماندهی امور مربوط، بهره‌گیری از مجموعه امکانات و توانمندیهای حقوقی، پرسنلی و اعتبارات صندوق رفاه دانشجویان، فعالیتهای امور ورزشی دانشجویان، اداره تربیت بدنی و معاونت دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طی سال اول برنامه اقدام کند.»

بر همین اساس شورای عالی اداری اقدام به ایجاد سازمان امور دانشجویان نموده است. در حالیکه مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری (تبصره ماده ۱۱۵) ایجاد هرگونه دستگاه اجرایی جدید منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. لذا ایجاد این سازمان مستقلاً توسط شورای عالی اداری مطابق قانون نبوده است در این خصوص قابل ذکر است هرچند در این بند به نام این سازمان اشاره شده اما این موضوع نمی‌تواند به منزله موافقت مجلس با تشکیل این سازمان تلقی گردد و نیاز به بیان اراده صریح مجلس در این خصوص وجود دارد هرچند صرف نظر از این برداشت، ماهیت این سازمان بدلیل نداشتن اساسنامه و شرح وظایف قانونی مبهم است.

تبصره ۱۵-

بند «الف»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ب»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند ماهیت غیر بودجه ای دارد و ذکر آن در قانون مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است. همچنین صدر این بند به دلیل داشتن حکمی که تعهدی بیش از یک سال ایجاد می کند، مغایر اصل سالانه بودن بودجه و در نتیجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ج»- مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. عدم تصریح بر واریز وجوه حاصل از این بند به خزانه کل کشور و اجازه مستقیم پرداخت آن مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

بند الحاقی (ذیل بند «د» محذوف)- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند حاوی امری غیربودجه ای بوده و ذکر آن در قانون بودجه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

بند الحاقی «۱»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۳»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۱۶-

بند «ج»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

نظراول:

فاقد ایراد است.

نظر دوم:

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

نظراول:

فاقد ایراد است.

نظر دوم:

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۱» (ذیل بند د) - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

نظراول:

فاقد ایراد است.

نظر دوم:

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۲» (ذیل جزء ۶) - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۱۷-

بند «ب» - مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی

با توجه به عبارت «محکومین مالی نیازمند غیر کلاهبرداری»، سایر مجرمین از جمله رشوه دهنده گان، سارقین و مختلسین نیز مشمول حمایت های این بند می شوند که علاوه بر مغایرت با هدف مقنن مغایر بند «۵» اصل ۱۵۶ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی است.

بند «و» - مغایر اصل ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. صدر این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.
۲. حکم ذیل این بند مبنی بر أخذ تعرفه استفاده از تجهیزات توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و واریز آن به ردیف خاص و اختصاص صد در صد وجوه حاصله به سازمان مزبور نوعی درآمد اختصاصی بوده و لذا با توجه به توضیحات مذکور در ذیل بند «د» تبصره «۱۳» مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۱» - مغایر اصول ۵۳ و ۱۵ قانون اساسی

۱. مجوز سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به دریافت وجوه مذکور در این بند و واریز آن به حساب درآمدی جداگانه و اختصاص معادل صد در صد درآمد استحصالی تا سقف مذکور در این بند به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نوعی درآمد اختصاصی بوده و لذا با توجه به توضیحات مذکور در ذیل بند «د» تبصره «۱۳» مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.
۲. استفاده از کلمه «آرشیو» بدون ذکر معادل فارسی آن (بایگانی) در این بند مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

بند الحاقی «۲» - مغایر اصول ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای بوده و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.
تذکر: استفاده از واژه «شانس» در صدر این بند از جهت ادبیات قانون مناسب نیست.

تبصره ۱۸ -

بند «الف» - مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی

نظر اول:

فاقد ایراد است.

نظر دوم:

واگذاری تعیین نوع و نرخ تعرفه به آیین نامه مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد.

بند «ب» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای بوده و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۱۹ -

بند «الف» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ب» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ج» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د» - مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. اجرای حکم این بند از محل فروش اموال دولتی بدون واریز وجوه ناشی از فروش این اموال به خزانه کل کشور مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی می باشد.

۳. اطلاق عبارت «فروش اموال دولتی» با توجه به اینکه می تواند شامل نفایس ملی و یا اموال منحصر به فرد نیز بشود مغایر اصل ۸۳ قانون اساسی می باشد.

بند «ه» - مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

۱. این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. تذکر: مطابق این بند «... در اصلاحیه بودجه سال ۱۳۹۳» مواردی ممنوع اعلام شده است. نکته ای

که در این خصوص وجود دارد این است که عبارت مزبور فاقد مفهوم خاصی است. زیرا اولاً نمیتوان گفت قانون بودجه سال ۱۳۹۳ لزوماً در طول اجرا اصلاح خواهد شد. ثانیاً حکم مزبور در این بند، هیچگونه الزامی را برای مجلس ایجاد نخواهد نمود و مجلس مجاز خواهد بود به صورت عادی حکمی برخلاف این حکم در اصلاحیه احتمالی بودجه پیش بینی نماید.

بند «و»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند الحاقی- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است. تذکر: عبارت «قانون محاسبات عمومی» به «قانون محاسبات عمومی کشور» اصلاح شود.

تبصره ۲۰-

بند «الف»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ب»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند در مقام اصلاح ماده ۵ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است که ماهیت غیربودجه ای داشته و در نتیجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د»- مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ه»- مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ط»- مغایر اصول ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره ۲۱- مغایر اصول ۵۲ و ۷۴ قانون اساسی

۱. این بند و تبصره «۲» آن واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. تکلیف دولت به انجام اقدامات قانونی به دلیل اینکه مفید الزام دولت به تقدیم لایحه نیز می باشد مغایر اصل ۷۴ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

ذیل این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۳- مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی

حکم این تبصره مبنی بر تأمین مبلغ مذکور از طریق فروش اموال و سهم شرکت و یا اوراق مشارکت و واریز آن به حساب خاص و استفاده از آن جهت کنترل و بهره برداری از آبهای مرزی نوعی درآمد اختصاصی بوده و لذا با توجه به توضیحات مذکور در ذیل بند «د» تبصره «۱۳» مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۴- مغایر اصول ۸۵ و ۵۲ قانون اساسی

۱. اتخاذ «سازوکارهای لازم» در این تبصره توسط سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) بدون تعیین هرگونه ضابطه‌ای، تفویض قانونگذاری تلقی شده و از این جهت مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است.
۲. این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۵- مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی

۳. نظارت کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در خصوص توزیع شهرستانی مبالغ موضوع این تبصره و همچنین حضور رئیس و نواب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در کارگروه ناظر موضوع توزیع اعتبارات جدول موضوع این تبصره مغایر اصول ۵۷ و ۶۰ قانون اساسی است.
۴. عبارت «شاخص‌های مربوطه» در پاراگراف دوم این تبصره مفهوماً واجد است.

تبصره الحاقی ۶- مغایر اصول ۱۵ و ۵۲ قانون اساسی

۱. این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.
۲. عبارات «سیگنال» و «لینک» در این تبصره به دلیل عدم ذکر معادل فارسی آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۸- مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.
۲. عدم تصریح به واریز وجهی که وزارت نفت از واحدهای موضوع این تبصره اخذ می‌نماید به خزانه کل کشور مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۹- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۲- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۳- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۴- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۵- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۶- مغایر اصل ۵۲ و بند «۱» و «۱۲» اصل ۳ قانون اساسی

۱. این تبصره به دلیل اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. بر اساس ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشوری تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر است از کشور جلوگیری نماید. در حالیکه بر اساس تبصره فوق الذکر وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور در صورتی می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی جلوگیری نماید که میزان بدهی مالیاتی از (۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر باشد. لذا با توجه به اینکه این افزایش مبلغ (از یک میلیون تومان به پانصد میلیون تومان) می‌تواند باعث حیف و میل اموال عمومی شود مغایر بند «۱» اصل ۳ مبنی بر تکلیف دولت به مبارزه با مظاهر فساد و همچنین بند ۱۲ این اصل مبنی بر تکلیف دولت به پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه است.

تبصره الحاقی ۱۷- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۱۸- مغایر اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی

۱. این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۲. این تبصره به دلیل اینکه مقرر نموده بدهی شرکت‌های تابعه و وابسته وزارتخانه‌های مزبور به اشخاص حقیقی و حقوقی با طلب همین اشخاص از این شرکت‌ها (بابت اقساط واگذاری) تهاتر شود و از طریق خزانه پرداخت نشود مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲۰- مغایر اصول ۵۲ و ۱۱۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲۱- مغایر اصول ۵۲ و ۱۱۲ قانون اساسی

بند «الف»- مغایر اصول ۵۲ و ۱۱۲ قانون اساسی

۱. بر اساس بند «ب» ماده ۸۲ قانون برنامه پنجم توسعه، «به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود برای تأمین منابع مالی طرح‌های خود از روش بیع متقابل با رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی پس از تصویب شورای اقتصاد استفاده نماید.» این بند در راستای رفع اختلاف بین مجلس و شورای محترم نگهبان، در دی‌ماه ۱۳۸۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است و لذا عدم رعایت ترتیبات مقرر در بند «ب» ماده ۸۲ قانون برنامه پنجم توسعه در خصوص شرایط استفاده دستگاه‌های اجرایی از روش بیع متقابل در بند الف تبصره الحاقی ۲۱ (مصوبه حاضر)، مغایر نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان مبنی بر «عدم امکان رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مراجع قانونگذاری بدون گذشت زمان معتد به که تغییر مصلحت موجه باشد» و بر این اساس مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی است.
۲. این بند واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ب»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ج»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «د»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

بند «ه»- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این بند واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲۲- مغایر اصول ۱۵، ۵۲، ۱۱۰ و ۱۱۲ قانون اساسی

بند «الف»- مغایر اصل ۱۵ و بند «۱» اصل ۱۱۰ و اصل ۱۱۲ قانون اساسی (از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی)

۱. همانگونه که پیشتر ذکر شد، بر اساس بند «ب» ماده ۸۲ قانون برنامه پنجم توسعه، «به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود برای تأمین منابع مالی طرح‌های خود از روش بیع متقابل با رعایت اصل

عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی پس از تصویب شورای اقتصاد استفاده نماید.» این بند در راستای رفع اختلاف بین مجلس و شورای محترم نگهبان، در دی‌ماه ۱۳۸۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است و لذا عدم رعایت ترتیبات مقرر در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص شرایط استفاده دستگاه‌های اجرایی از روش بیع متقابل در بند الف تبصره الحاقی ۲۲ مصوبه حاضر، مغایر نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان مبنی بر «عدم امکان رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مراجع قانونگذاری بدون گذشت زمان معتد به که تغییر مصلحت موجه باشد» و بر این اساس مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی است.

۲. کلمه «سیکل» در این بند بدون ذکر معادل فارسی آن (چرخه) مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۳. اجازه نیروگاه‌ها جهت انجام موضوع این بند به انعقاد قرارداد با بخش خصوصی و «عمومی» به دلیل اینکه اطلاق بخش عمومی شامل بخش دولتی نیز می‌شود، مغایر جزء «۱» بند «الف» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر این که دولت حق فعالیت اقتصادی خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد، می‌باشد.

۴. عدم تصریح و ذکر «بخش تعاونی» در این بند علاوه بر مغایرت با ذیل جزء «۱» بند «الف» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر اینکه فعالیت‌های اقتصادی خارج از موارد صدر اصل ۴۴ باید به بخش‌های تعاونی، خصوصی، و عمومی غیردولتی واگذار شود، مغایر جزء «۴» بند «ب» این سیاست‌ها در خصوص سیاست‌های کلی بخش تعاونی نیز است. بر این اساس یکی از سیاست‌های کلی بخش تعاونی «رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی است.»

تبصره الحاقی ۲۵- مغایر اصول ۵۲، ۵۵ و ۱۳۸ قانون اساسی

۱. بر اساس مفاد ماده (۲) و بند «ج» ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷، هیأت وزیران وظیفه تصویب بودجه این مناطق را بر عهده دارد و بر همین اساس بودجه این مناطق در قانون بودجه کل کشور درج نمی‌شود. لذا این تبصره به نوعی در مقام اعطای صلاحیت هیأت وزیران به شورای عال مناطق آزاد می‌باشد که از جهت واگذاری اختیارات هیأت وزیران به غیر دولت مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی در خصوص اختیارات هیأت وزیران است.

۲. همانگونه که در بند فوق گفته شد بودجه مناطق آزاد تجاری - صنعتی در بودجه کل کشور درج نمی‌شود و به تبع آن دیوان محاسبات کشور نیز نظارتی بر دخل و خرج منابع مالی سازمان‌های مناطق آزاد ندارد. لذا عدم درج بودجه این مناطق در قالب قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور و به تبع آن عدم نظارت دیوان محاسبات کشور بر بودجه این مناطق مغایر اصل ۵۵ قانون اساسی است. همچنین مصوبه بودجه جاری به دلیل در بر نداشتن بودجه مناطق آزاد، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی مبنی بر لزوم تهیه و تصویب «بودجه کل کشور» توسط دولت و مجلس است.

تبصره الحاقی ۲۶- مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی

این تبصره واجد ماهیت غیر بودجه ای است و لذا ذکر آن در قانون بودجه مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲۷- مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی

حکم این تبصره به دلیل اینکه به نیروی انتظامی اجازه داده مبالغ مشخصی را دریافت و به ردیف خاصی، جهت انجام مصرف مشخصی اختصاص یابد، نوعی درآمد اختصاصی بوده و لذا با توجه به توضیحات مذکور در ذیل بند «د» تبصره «۱۳» مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

تبصره الحاقی ۲۸- مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی

این تبصره به دلیل عدم تصریح به واریز درآمد حاصل از مزایده فروش گازهای تولیدی همراه نفت موضوع این تبصره، به خزانه کل کشور مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی است.

ج) ایرادات مربوط به جداول و احکام ذیل آن

فارغ از ایرادی که در قسمت کلیات در خصوص عدم ارسال جداول و پیوست‌های مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور بیان گردید، در ارتباط با جداول پیوست لایحه و احکام ذیل آن و با توجه به تغییراتی که مجلس نسبت به این موارد اعمال داشته است، نکات ذیل قابل توجه می‌باشد:

۱) ☒ در قسمت جداول کلان، جدول شماره «۷» (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیر مجموعه)، اختصاص ردیف «۱۰۵۶۰۰» مندرج در صفحه ۶۷ ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، به «سازمان امور شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور» با توجه به اینکه این سازمان فاقد اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی و یا هیأت وزیران است، محل ایراد و ابهام است و از این حیث مغایر بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.

۲) ☒ در قسمت جداول کلان، جدول شماره «۷» (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیر مجموعه)، اختصاص ردیف «۱۱۳۶۶۴» مندرج در صفحه ۸۴ ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، به «سازمان امور دانشجویان» با توجه به اینکه این سازمان فاقد اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی و یا هیأت وزیران است، محل ایراد و ابهام است و از این حیث مغایر بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.

۳) ☒ در قسمت جداول کلان، جدول شماره «۷» (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیر مجموعه)، اختصاص ردیف «۱۲۹۴۰۰» مندرج در صفحه ۱۲۹ ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه، به «سازمان غذا و دارو» با عنایت به اینکه این سازمان فاقد اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی و یا هیأت وزیران است، محل ایراد و ابهام است و از این حیث مغایر بند «۱۰» اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.

۴) ☒ در پاراگراف اول ذیل جدول شماره ۷ (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیر مجموعه)

اجازه تغییر در اعتبارات مربوط به حقوق و مزایا بدون هیچ گونه محدودیتی به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور داده شده که علاوه بر مغایرت با اصل ۵۲ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب بودجه توسط مجلس مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی نیز به نظر می‌رسد.

۵) ☒ در پاراگراف دوم ذیل جدول شماره ۷ (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیر مجموعه) عبارت «مانند دستگاه‌های مشمول در سال ۱۳۹۲» مبهم است. هرچند به نظر می‌رسد منظور از این عبارت دستگاه‌های مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری باشد.

۶) ☒ پاراگراف دوم جدول شماره ۷ (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیرمجموعه) در خصوص ترتیب پرداخت حقوق و مزایای مستمر کارکنان دستگاه‌های اجرایی و کلیه اشخاص حقوقی دارای ردیف که اعتبار آنها در ستون ذیربط درج نشده است واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و لذا مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۷) ☒ پاراگراف سوم جدول شماره ۷ (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیرمجموعه) درباره اجازه معاونت به کسر اعتبار حقوق و مزایای کارکنان از دستگاه اجرایی مبدأ و و اضافه نمودن به دستگاه مقصد در صورت جابجایی، به دلیل داشتن ماهیت غیر بودجه‌ای مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۸) ☒ حکم پاراگراف پنجم جدول شماره ۷ (خلاصه بودجه دستگاه‌های اصلی و زیرمجموعه) درباره منظور نمودن فوق‌العاده‌های بعدی کارکنان دستگاه‌های اجرایی در محاسبات، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای بوده و لذا مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود.

۹) ☒ عبارت مندرج در پاراگراف هفتم فاقد حکم خاصی است.

۱۰) ☒ در قسمت جداول کلان، احکام ذیل جدول شماره «۱۰» (تصویر کلان بودجه استانی) پاراگراف اول مبنی بر صلاحیت معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در تغییر اعتبارات هر استان مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۱۱) ☒ در قسمت جداول کلان، احکام ذیل جدول شماره «۱۰» (تصویر کلان بودجه استانی) پاراگراف دوم در خصوص صلاحیت معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در تعیین اولویت‌ها برای اختصاص اعتبارات مندرج در جدول مذکور مغایر ذیل اصل ۵۲ قانون اساسی است.

۱۲) ☒ بند «۴۱» اصلاحی مجلس در خصوص جداول و پیوست‌های لایحه بودجه مبنی بر اضافه شدن عبارت «طرح‌های مندرج در این جدول می‌توانند از مجوز جا به جایی‌ها و نیز فاینانس خارجی استفاده کنند» ذیل جداول ۱۹ و ۲۰ به دلیل مغایرت با ماده (۸۲) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ و ۱۰/۲۱/۱۳۸۹ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی و همچنین به دلیل اجازه جا به جایی مغایر ذیل اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب می‌شود. همچنین واژه «فاینانس» بدون ذکر معادل فارسی آن مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۱۳) ☒ در حکم ذیل جدول شماره «۱-۱۰» (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها در سال ۱۳۹۳) در صفحه ۱۷۰ (سطر سوم) عبارت «ستون مصوبات خاص» از حیث مصادیق این مصوبات محل ابهام است.

۱۴) ☒ در حکم ذیل جدول شماره «۱-۱۰» (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها در سال ۱۳۹۳) در صفحه ۱۷۰ (سطر پنجم) عبارت «مناطق تحت تأثیرن محل ابهام است.

۱۵) ☒ بر اساس ذیل بند «ج» تبصره «۱۶» معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلف شده اعتبار مورد نیاز برای پرداخت هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های اجرایی و افراد تحت تکفل آنها را از سرجمع اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی کسر کند و به بنیاد شهید و امور ایثارگران اختصاص دهد و مقرر شده اعتبارات این بند از محل ردیف ۵۳-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود. مسئله قابل تأمل که در این رابطه وجود دارد این است که ذیل ردیف مربوطه (۵۳-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره ۹) تحت عنوان اعتبار موضوع استفاده ایثارگران از خدمات درمانی بنیاد شهید و امور ایثارگران (از محل انتقال اعتبار از دستگاه‌های اجرایی متبوع ایثارگران شاغل و بازنشسته) مبلغ خاصی ذکر نشده است و لذا از این جهت واجد ابهام است.